کلاهبرداری با فروش خودروهای تصادفی

دو مرد فریبکار که با فریب خریداران خودرو، خودروهای تصادفی را به جای سالم به آنها می‌فروختند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه خیرالله دولتخواه، رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران گفت: چندی قبل مردی مأموران پلیس تهران را از ماجرای یک کلاهبرداری با خبر کرد. او توضیح داد: مدتی بود که به دنبال خرید یک خودرو با قیمت مناسب بودم. هنگام بررسی آگهی‌سایت‌های مجازی متوجه آگهی یک خودروی پژو۲۰۶ شدم که فروشنده آن را با قیمت مناسبی آگهی کرده‌بود، برای همین با فروشنده تماس گرفتم. بعد از سؤال کردن مشخصات خودرو و قیمت آن برای بازدید در یافت آباد قرار ملاقات گذاشتیم. وقتی سر قرار حاضر شدم متوجه شدم که چند نفر دور خودروی مورد نظر جمع شده‌اند و در حال حرف زدن هستند. من هم به آنها ملحق شدم و خودم را خریدار خودرو معرفی کردم. آنها گفتند که فروشنده قیمت مناسبی برای فروش گذاشته است و به من توصیه کردند که حتماً آن را بخرم. حرف‌های آنها روی من تأثیر گذاشت و تصمیم به خرید گرفتم اما قبل از خرید تصمیم گرفتم تا یک کارشناس خودرو را بررسی کند تا از سلامت آن اطمینان پیدا کنم. همان لحظه یکی از افرادی که آنجا بود، گفت که کارشناس مطمئنی را سراغ دارد که تماس گرفت و لحظاتی بعد مردی که خودش را کارشناس معرفی کرد به جمع ما ملحق شد. او به من اطمینان داد که خودرو تصادفی نیست و بی‌رنگ است که من هم اعتماد کردم و همراه فروشنده راهی دفتر خانه شدم و در قبال پرداخت ۱۰۰میلیون تومان خودرو را به نام من منتقل شد. شاکی ادامه داد: چند روزی که گذشت خودرو را به یک کارشناس نشان دادم که گفت خودرو قبلاً تصادف کرده و کاملاً رنگ شده است که تصمیم به شکایت گرفتم.

در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان مبارزه با جعل و کلاهبرداری پایگاه پنجم پلیس آگاهی راهی دفترخانه شدند و با بررسی آدرس ثبت شده فروشنده متوجه شدند آدرس مورد نظر جعلی است. تحقیقات اما در این باره ادامه پیدا کرد و مأموران پلیس موفق شدند مخفیگاه فروشنده را شناسایی و ۱۲مردادماه او را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری اعتراف کرد و گفت از مدتی قبل با همدستی دوستش فریدون که از کلاهبرداران حرفه‌ای است، تصمیم به کلاهبرداری به این شیوه گرفته‌اند. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت فریدون هم بیستم مرداد ماه بازداشت شد و به چهار کلاهبرداری مشابه اعتراف کرد. فریدون گفت: ابتدا خودروهای تصادفی را با قیمتی پایین می‌خریدیم و پس از بازسازی خودرو را رنگ کرده و برای فروش آن را در سایت‌های مجازی آگهی می‌کردیم. وقتی هم که خریدار تماس می‌گرفت با او قرار می‌گذاشتیم و با معرفی کردن کارشناس قلابی وی را مجبور به خرید می‌کردیم. سرهنگ کارآگاه خیرالله دولتخواه، رئیس پایگاه‌پنجم پلیس آگاهی تهران گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان همچنان در جریان است.

۲۵ سال زندگی با هویت جعلی

مرد افغان که از ۲۵سال قبل با هویتی ایرانی زندگی می‌کرد، سرانجام بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران توضیح داد: ۳۱خردادماه پرونده‌ای با شکایت ثبت احوال تهران و با موضوع جعل هویت روی میز کارآگاهان این پایگاه قرار گرفت. براساس شکایت مطرح شده مردی افغان از ۲۵سال قبل با جعل هویت مردی ایرانی برای خودش کارت ملی گرفته و با اوراق جعل شده ازدواج کرده و صاحب فرزند هم شده است. کارآگاهان پلیس بعد از بررسی اوراق پرونده در این باره تحقیق کرده و ۳۱تیرماه متهم را بازداشت کردند.

متهم گفت: اسم اصلی من جمال است و ۲۵سال قبل برای کار وارد ایران شدم. مدتی که گذشت توانستم از هویت مردی ایرانی استفاده کرده و کارت ملی بگیرم و بعد از افتتاح حساب شروع به کسب و کار کردم. در این مدت هم تشکیل خانواده دادم و مشغول زندگی‌ام بودم که بازداشت شدم. با کامل شدن تحقیقات در این باره متهم به همراه پرونده در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

داماد برج ساز نصاب دوربین از کار درآمد

داماد قلابی که با معرفی کردن خودش به عنوان مهندس معمار و برج‌ساز دختر جوان را فریب داده و از او کلاهبرداری کرده‌بود، نصاب دوربین مداربسته از کار درآمد.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه مسعود برجی، سرپرست پایگاه چهارم پلیس آگاهی پایتخت گفت: چندی قبل دختری به مأموران پلیس تهران خبر داد که در دام مردی فریبکار گرفتار شده‌است. او گفت: مردی به نام شاهین با وعده ازدواج او را فریب داده و ۷۰۰میلیون تومان از وی کلاهبرداری کرده است. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ناحیه۴ به پایگاه‌چهارم پلیس آگاهی فرستاده شد. دختر جوان در توضیح بیشتر شکایت خود به پلیس گفت: مدتی قبل در فضای مجازی با شاهین آشنا شدم. او خودش را مهندس معمار معرفی کرد و گفت که صاحب یک شرکت انبوه‌سازی است. مدتی که از آشنایی ما گذشت با هم قرار ملاقات گذاشتیم و شاهین هر بار با یک خودروی مدل بالا سر قرار حاضر می‌شد. او گفت که در حال حاضر مشغول ساخت یک مجتمع تجاری در محله سعادت‌آباد است و به من قول داد که بعد از انجام کار با هم ازدواج می‌کنیم و برای ادامه زندگی به کشور آلمان می‌رویم. شاکی در ادامه گفت: شاهین با خودروهای گرانقیمت به ملاقات من می‌آمد و حتی یک‌بار من را به مجتمع در حال ساخت برد و پیشنهاد داد که یکی از واحدهای مجتمع را بخرم. او گفت که بر سر قیمت آن با شرکایش حرف می‌زند تا با نصف قیمت من صاحب یکی از آن واحدها شوم. دختر جوان ادامه داد: من هم به حرف‌هایش اعتماد کردم و مخفیانه طلاهای خودم، مادر و خواهرم و همچنین دلارهای پدرم را فروختم و ۷۰۰میلیون تومان را به شاهین دادم اما از فردای آن روز دیگر شاهین به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که از من کلاهبرداری کرده است.

با اطلاعاتی که دختر جوان در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان در این باره تحقیق کردند و متوجه شدند که نام واقعی شاهین، خسرو است و به عنوان نصاب دوربین‌های مداربسته در ساختمان‌های در حال ساخت کار می‌کرد و بعد از وقوع حادثه دیگری به محل کارش نرفته است. در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان پلیس موفق شدند، مخفیگاه متهم را شناسایی و چند روز بعد از مطرح شدن شکایت، وی را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: وقتی با دختر جوان در شبکه‌های اجتماعی آشنا شدم، فهمیدم که وضع مالی خوبی دارد برای همین تصمیم به کلاهبرداری از او گرفتم. من خودم را مهندس عمران معرفی کردم و توانستم او را فریب داده و ۷۰۰میلیون تومان از او کلاهبرداری کنم. متهم گفت: من پول‌ها را صرف خوشگذرانی و خرید خودرو و موتورسیکلت کردم تا اینکه بازداشت شدم. با کامل شدن تحقیقات متهم به دستور قاضی روانه زندان شد.

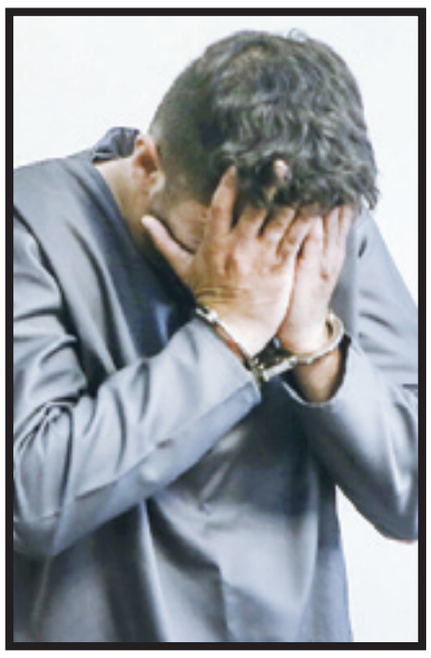

قاتل خواستگار مادر بخشیده شد

پسر جوانی که خواستگار مادرش را به قتل رسانده بود با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران از طناب دار نجات یافت.

به گزارش جوان، ۱۰ تیرسال ۹۰ بود که مرد کشاورزی حوالی شهرستان پاکدشت در زمین‌های کشاورزی‌اش جسد مرد جوان را پیدا کرد و موضوع را به پلیس اطلاع داد. بررسی‌ها نشان داد که مرد ناشناس در محلی دیگر به قتل رسیده و جسدش به این مکان منتقل شده است. در تحقیقات بعد معلوم شد که مردی در تهران به اداره پلیس رفته و گم‌شدن ناگهانی پسر ۳۰ساله‌اش بهرام را به پلیس گزارش داده است. از آنجایی که مشخصات مرد گمشده شباهت زیادی با جسد کشف شده داشت پدرم بهرام جسد پسرش را در پزشکی قانونی شناسایی کرد. او گفت: بهرام مجرد بود و کار آزاد داشت. او چند روز قبل با خودروی پژو۴۰۵ خودش برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت.

پس از شناسایی جسد که پزشکی قانونی اعلام کرده‌بود بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده است، پرونده برای شناسایی عامل یا عاملان قتل به جریان افتاد.

کارآگاهان جنایی در نخستین اقدام شماره پلاک خودروی مقتول را اختیار گشت‌های پلیسی قرار دادند تا اینکه مأموران خودرو را که در اختیار مرد میانسالی بود توقیف کردند. مرد میانسال گفت که مدتی قبل خودرو را از پسر جوانی به نام فریدون خریده‌است و قولنامه خرید و سند خودرو را هم در اختیار دارد. در چنین شرایطی مأموران درباره فریدون تحقیق کردند که دریافتند مقتول از دوستان نزدیک فریدون بوده و همیشه به خانه آنها رفت و آمد داشته‌است. بدست آوردن این اطلاعات فریدون را به عنوان مظنون حادثه بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند. متهم ابتدا منکر قتل دوستش شد و مدعی شد که اوایل تیرماه خودرو را از بهرام خریده است و بعد هم به مرد میانسالی فروخته است و الان هم از سرنوشت دوستش بی‌خبر است.

در حالی که متهم با تناقض گویی‌ها قصد داشت، مأموران پلیس را فریب دهد، بررسی‌های فنی کارآگاهان جنایی نشان داد مقتول آخرین بار با خودرواش به خانه مادر فریدون می‌رود و پس از آن روز ناپدید و جسدش چند روز بعد کشف می‌شود.

■ خواستگار مادرم شد او را کشتم

بنابراین متهم دوباره مورد بازجویی فنی قرار گرفت و این بار به قتل دوستش و سرقت خودرواش اعتراف کرد.

وی گفت: من و مادرم با هم زندگی می‌کنیم و مقتول هم که از دوستان قدیمی من بود به خانه ما رفت و آمد داشت. مدتی قبل متوجه شدم بهرام به مادرم علاقه پیدا کرده است و قصد دارد از مادرم خواستگاری و با او ازدواج کند. با شنیدن این حرف خیلی ناراحت شدم و به غیرتم برخورد به طوریکه مدتی با بهرام قهر کردم و به او گفتم که مادرم را فراموش کند چون او قصد ازدواج ندارد اما بهرام اصرار داشت با مادرم ازدواج کند. او از مادرم خواستگاری کرد و من هم به شدت عصبانی بودم تا اینکه روز حادثه او را به خانه‌مان دعوت کردم تا درباره این موضوع باهم حرف بزنیم. وقتی به خانه‌مان آمد من تنها بودم که پس از کمی صحبت باهم مشاجره لفظی کردیم و درگیر شدیم که با سیم برقی او را خفه کردم. پس از قتل خیلی ترسیده بودم که مادرم متوجه نشود به همین دلیل جسد را پتوپیچ و به صندوق عقب خودروی خودش منتقل کردم و سپس جسد را به حوالی پاکدشت بردم و داخل زمین‌های کشاورزی رها کردم. پس از آن مدارک خودروی مقتول را داخل خودرواش پیدا کردم و با سندسازی به مردی فروختم.

■ جلسات صلح و سازش

متهم پس از صدور کیفرخواست در یکی از شعبه‌های دادگاه کیفری محاکمه و با درخواست پدر و مادر مقتول به قصاص محکوم شد.

رأی دادگاه پس از تأیید در شعبه۱۶ دیوان‌عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. درحالی که پدر و مادر مقتول فوت کرده بودند و متهم در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، قاضی مریم خلیفه، دادیار شعبه۴ اجرای احکام با حضور اولیای دم جلسات صلح و سازشی را برگزار کرد و در نهایت تلاش‌های هیئت صلح و سازش دادسرا نتیجه داد و برادر و خواهر مقتول با گرفتن دیه متهم را بخشیدند. بنابراین با این اقدام خداپسندانه اولیای‌دم، متهم به زندگی دوباره بازگشت و به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان محاکمه می‌شود.

درخواست دیه از بیت‌المال برای قتل تازه داماد

ناکامی پلیس در شناسایی دو سارقی که دو سال قبل تازه دامادی را مقابل چشمان همسرش به قتل رسانده بودند باعث شد تا اولیای‌دم درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کنند.

به گزارش جوان، اواسط فروردین‌سال ۹۷ بود که مأموران پلیس تهران با تماس تلفنی شهروندی از قتل مرد جوانی در خیابان کمیل حوالی بزرگراه نواب با خبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه با جسد مرد ۲۹ساله‌ای کنار خودرواش روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد لحظاتی قبل دو سارق موتورسوار پس از سرقت موبایل مردی رهگذر که وکیل دادگستری هم بود فرار می‌کنند که نزدیک چهار راهی با خودروی مقتول تصادف می‌کنند و مقتول مانع فرار آنها می‌شود. پس از آن یکی از سارقان با چاقو ضربه‌ای به مرد جوان مقابل چشمان همسرش وارد می‌کند و سپس به سرعت از محل فرار می‌کنند. مأموران پلیس در ادامه تحقیقات برای شناسایی سارقان قاتل انجام دادند و در نهایت هم سه‌سارق موتورسوار را به عنوان مظنون بازداشت کردند، اما تحقیقات نشان داد این سه متهم در قتل مرد جوان دست نداشته و لحظه حادثه هم در مکان دیگری در حال سرقت بوده‌اند. بدین ترتیب متهمان از قتل مرد جوان تبرئه شدند.

چند روز قبل در حالی که دو سال از قتل تازه داماد گذشته است و مأموران پلیس هم هیچ سرنخی از عاملان قتل پیدا نکرده‌اند پدر و مادر مقتول به شعبه ششم دادسرای امور جنایی رفتند و برای قتل پسرشان درخواست دیه از بیت‌المال کردند. پس از این درخواست پرونده به دستور قاضی احسان زمانی، بازپرس شعبه‌ششم برای بررسی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

چاقوکشی مرگبار در بیرمنگام انگلیس

مردی چاقو بدست در بیرمنگام انگلیس یک‌نفر را به قتل رساند و هفت‌نفر دیگر را به شدت زخمی کرد که حال دو نفر از مجروحان وخیم اعلام شده است.

پلیس بریتانیا روز گذشته اعلام کرد: مردی نیمه‌شب ۱۵شهریور در شهر بیرمنگام در خیابان با چاقو به چند نفر حمله کرد که در جریان آن یک‌نفر به کام مرگ رفت و هفت‌نفر دیگر هم زخمی و روانه بیمارستان شدند. هنوز جزئیات دیگری از جمله در مورد فرد یا افراد مهاجم و انگیزه او از این حمله منتشر نشده است.

بیرمنگام با بیش از یک‌میلیون‌نفر جمعیت، دومین شهر بریتانیا و مرکز شهرستان میدلندز غربی است که در مرکز این کشور واقع شده است.

حکم قصاص مرد طلبکار بررسی می‌شود

حکم قصاص مردی که متهم است، بدهکار خود را به قتل رسانده در دیوان عالی کشور بررسی می‌شود.

به گزارش جوان، دو سال قبل مأموران پلیس ورامین از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به احمد ۳۲ساله بود که مشخص شد در یک تصادف زخمی و بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی و بنا به نظریه کارشناسان راهنمایی و رانندگی مشخص شد، این مرد در یک تصادف عمدی جان باخته است. به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و مشخص شد راننده خطاکار مردی به نام بهروز است که صاحب یک کارگاه تولیدی در حاشیه پاکدشت است.

بنابراین بهروز بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او با انکار قتل گفت: «صاحب یک کارگاه هستم و با احمد کار می‌کردم. مدتی قبل به او مقداری جنس به ارزش ۶۰میلیون تومان داده بودم، اما هر بار پول جنس‌ها را می‌خواستم طفره می‌رفت و طلبش را نمی‌داد. روز حادثه از کارگران کارگاه خواستم تا او را سوار ماشین کنند و به کارگاه بیاورند. آنها قبول کردند و وقتی احمد به کارگاه آمد اما فرار کرد. همان موقع با ماشین تعقیبش کردم که ناخواسته او را زیر گرفتم.»

با اقرارهای متهم، سه کارگر کارگاه به نام‌های سعید، فرهاد و حامد نیز بازداشت شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. سعید گفت: «بهروز به خاطر اختلاف حساب با احمد از ما کمک خواست. او صاحب کارگاهی بود که ما در آن کار می‌کردیم به همین دلیل حرفش را قبول کردم. طبق نقشه آن روز همراه حامد، مقتول را در حالیکه سوار خودرواش بود به کارگاه آوردیم. مقتول وقتی وارد کارگاه شد متوجه موضوع شد به همین دلیل پا به فرار گذاشت. همان لحظه بهروز او را تعقیب کرد و زیر گرفت.» حامد نیز تحت بازجویی قرار گرفت و با تأیید توضیحات دوستش گفت آن روز فقط در خودروی مقتول نشسته بود و در آدم‌ربایی نقشی نداشته است. فرهاد نیز در اظهاراتش گفت: «بهروز وقتی مقتول را زیر گرفت دستور داد تا خودروی مقتول را به ملایر ببریم و آتش بزنیم. من هم به اجبار قبول کردم تا حقیقت برملا نشود.» با اقرار متهمان، بهروز به اتهام قتل عمد و مشارکت در آدم‌ربایی، سعید به اتهام مشارکت در آدم‌ربایی، حامد به اتهام معاونت در آدم‌ربایی و فرهاد نیز به اتهام تخریب خودروی مقتول راهی زندان شدند و پرونده بعد از صدور کیفرخواست روی میز هیئت قضایی شعبه دوم قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم ردیف اول در جایگاه ایستاد و خلاف اظهاراتش گفت: «آن روز در خانه خواب بودم که همسایه‌های کارگاه تماس گرفتند و گفتند یکی از کارگران کارگاه زخمی شده‌است. به کارگاه رفتم و کارگر را سوار خودروام کردم تا به بیمارستان برسانم که در راه احمد را دیدیم که کنار جاده ایستاده بود. جاده سه لاین داشت اما یکی از لاین‌ها به خاطر توقف یک خودرو بسته شده بود. می‌خواستم از قسمت دوربرگردان دنده عقب بروم که ناخواسته خودرو با احمد برخورد کرد و او کنار جاده افتاد.

باور کنید او را ندیدم به همین خاطر او را ناخواسته زیر گرفتم.» متهم در آخر درباره نظر کارشناسان راهنمایی و رانندگی که اعلام کرده‌بودند، مقتول ابتدا روی کاپوت ماشین افتاده و سپس روی زمین افتاده است، گفت: این نظریه را قبول ندارد. در ادامه دیگر متهمان یک به یک در جایگاه قرار گرفتند و با اقرار به جرمشان بار دیگر تصادف عمدی از سوی صاحب کارگاه را تأیید کردند.

در پایان هیئت قضایی بعد از شور بهروز را به قصاص و ۱۰سال زندان، سعید را به ۱۰سال زندان، حامد را به پنج‌سال زندان و فرهاد را به سه‌سال زندان محکوم کردند. این حکم با اعتراض متهمان به دیوان‌عالی کشور فرستاده شد تا بار دیگر از سوی قضات دیوان بررسی شود.

زندان و اخراج از ایران مجازات اعضای گروه داعشی

سه نفر از اعضای عضو گروهک داعش که برای عملیات انتحاری از عراق وارد خاک ایران شده‌بودند، به حبس و اخراج از خاک ایران محکوم شدند.

به گزارش جوان، سه‌سال قبل مأموران اطلاعات سپاه از ورود ۲۱نفر از اعضای داعش از مرز عراق به خاک ایران در یکی از روستاهای کرمانشاه باخبر و راهی محل شدند.

مأموران سپاه در جریان درگیری با اعضای این گروه ۱۵نفر از آنها را بازداشت کردند و بقیه هم به هلاکت رسیدند. با کامل شدن تحقیقات پرونده سه‌نفر از اعضای این گروه که ۱۷ساله بودند، در شعبه‌پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد و هیئت قضایی بعد از شور سه‌متهم را که هر کدام‌به اتهام عضویت در گروهک به پنج‌سال حبس و به اتهام نگهداری سلاح به یکسال حبس محکوم کرد. سپس قرار شد دو متهم عراقی از خاک ایران اخراج و تحویل نیروهای اطلاعات عراق شوند. همچنین متهم ایرانی حق خروج از محل سکونت خود در یکی از شهرهای استان کرمانشاه را ندارد و باید هر دو هفته یکبار خود را به مراجع قضایی معرفی کند.

آگهی تغییرات شرکت ایده پردازان سپیدار سفید نیتا با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۱۸۶۶۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۹۲۲۴۴۹۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹/۵/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱. نشانی شرکت در ارومیه به استان آذربایجان غربی، شهرستان ارومیه، بخش مرکزی، شهر ارومیه، محله نبوت، خیابان نگین، کوچه بیستم [پنجم نگین]، پلاک ۲، ساختمان یگانه، طبقه چهارم، واحد ۱۱ کدپستی ۵۷۱۹۸۴۵۳۶۰ تغییر و انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری ارومیه (۹۷۵۲۰۵)

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو زانتیا تیپ SX2000 مدل ۱۳۸۶ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸ - ۳۲۴ و ۲۵ به شماره موتور ۷۱۲۶۶۳ و شماره شاسی S1512386157533 متعلق به آقای سجاد کریمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی

برگ کمپانی و کارت شناسایی خودرو سمند تیپ LX مدل ۱۳۹۰ به رنگ خاکستری و شماره پلاک ایران ۵۵ - ۸۲۲ ی ۷۲ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۰۴۶۶۴ و شماره شاسی NAAC91CCXBF855962 متعلق به آقای حمید جمس با کدملی ۰۰۵۱۵۸۸۳۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی، بنچاق خودرو سواری پراید تیپ جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۴ به رنگ عنابی روغنی به شماره پلاک ایران ۶۶ - ۹۵۴ م ۴۳ به شماره موتور ۰۱۳۵۸۴۰۹ و شماره شاسی S1412284702047 متعلق به آقای محمدرضا درستکار مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی تغییرات شرکت آذر بهداد سبز با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۱۳۹۹۴ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۷۳۵۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۲/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱. خانم جمیله خلیلی هرزند جدید فرزند یوسف متولد سال ۱۳۴۹/۰۵/۱۷ به کدملی (۱۵۸۱۸۰۸۸۲۸) با واریز مبلغ شصت هزار ریال سهم الشرکه به صندوق شرکت و قبول مفاد اساسنامه و قانون تجارت جزو شرکاء شرکت منظور شد. ۲. سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیون و دویست هزار ریال به مبلغ یک میلیون و دویست و شصت هزار ریال افزایش یافت و ماده چهار اساسنامه شرکت به شرح ذیل اصلاح شد: - سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون و دویست و شصت هزار ریال نقدی است. اسامی شرکا: - آقای حمزه پیر محمدی به کدملی (۱۵۸۲۹۹۹۳۵۱) دارای یک میلیون و یکصد و چهل هزار ریال سهم الشرکه - آقای سربست مدحت رشید به کدملی (۴۷۱۱۳۳۸۴۸۹) دارای شصت هزار ریال سهم الشرکه -خانم جمیله خلیلی هرزند جدید به کدملی (۱۵۸۱۸۰۸۸۲۸) دارای شصت هزار ریال سهم الشرکه

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ارومیه (۹۷۵۱۹۸)

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حبیب الله شامانی باستناد۲برگ استشهاد محلی که به امضا شهود و به گواهی دفترخانه شماره ۵ دامغان رسیده و مدعی می‌باشد که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۶۹ فرعی از۵۶ اصلی واقع در بخش ۲ دامغان که بنام نامبرده صادر وتسلیم گردیده بعلت جابجایی مفقود و مالک درخواست صدور سند مالکیت المثنی رانموده است لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ اینامه قانون ثبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود اسناد مالکیت مذکور نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روزاعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت باین اداره تسلیم ورسید دریافت نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد والاپس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی ودر صورت اعتراض اصل اسناد ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان دامغان – مهدی جدیدی

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه پرونده ۹۹۰۳۵۰۰

بدینوسیله به ورثه امیر بهبودی: - رقیه کل باشی نام پدر: غلام تاریخ تولد ۱۳۳۹/۵/۲ شماره ملی ۵۲۲۹۰۹۲۹۲۰ شماره شناسنامه ۱۶۹ - علیرضا بهبودی نام پدر: امیر تاریخ تولد: ۱۳۸۸/۸/۳۰ شماره ملی ۰۹۶۰۰۴۹۷۲۱ شماره شناسنامه ۰۹۶۰۰۴۹۷۲۱ - غلامرضا بهبودی نام پدر: حسن تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۹/۳ شماره ملی ۰۸۸۸۳۲۶۸۹۰ شماره شناسنامه ۲۵۹۸ ابلاغ می‌شود که خانم ریحانه جلالیان سینه زن نام پدر: عبدالشاکر تاریخ تولد ۱۳۶۳/۹/۱۷ شماره ملی ۰۹۳۹۰۶۷۸۱۱ شماره شناسنامه: ۳۶۷۵ جهت وصول مهریه به تعداد سیصد و چهارده عدد سکه طلای بهار آزادی به استناد - سند ازدواج: شماره سند ۲۰۹۹۰، تاریخ سند: ۱۳۸۳/۵/۲۷، دفترخانه صادر کننده: دفترخانه ازدواج شماره ۵ شهر مشهد استان خراسان رضوی علیه ورثه امیر بهبودی اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائیه به کلاسه ۹۹۰۳۵۰۰ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۶ مامور پست محل اقامت ورثه مرحوم امیر بهبودی به شرح متن سند شناسایی نگردید. لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرایی جریان خواهدیافت.

م‌الف: ۵۱۰/ سرپرست اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

آگهی ابلاغ اجرائیه پرونده اجرایی شماره ۱۳۹۹۰۴۰۰۶۰۹۱۰۰۰۰۱۷ به کلاسه ۹۹۰۷۴۳

بدینوسیله به خانم وجیهه پیردربان طوسی فرزند غلامحسین به شماره ملی ۰۹۳۸۹۰۳۸۹۶ بدهکار پرونده اجرایی مذکور که برابرگزارش مامور ابلاغ پست آدرس شما شناخته نگردیده ابلاغ می‌گردد که برابر سند رهنی ۲۶۵۵-۱۳۸۸/۱۲/۲۶ بین شما و بانک ملی مبلغ ۱۷۶/۳۸۷/۲۳۸ ریال تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۴ به انضمام خسارت تاخیر روزنامه تا یوم الوصول بدهکار می‌باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و به کلاسه فوق در این اجراء مطرح می‌باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی به شما ابلاغ می‌گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه چاپ و منتشر می‌گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد. ضمنا مورد وثیقه ششدانگ آپارتمان به شماره پلاک ۱۶۳۶۸ فرعی مجزی شده از ۷۲۹۳ فرعی از تجمیعی ۵۳ الی ۵۹ فرعی از ۱۷۶ اصلی بخش۱۰ مشهد می‌باشد.

م‌الف: ۵۱۱/ مسئول شعبه اول اداره اجرای اسناد رسمی مشهد